

# Critical Examination of the Views and Approaches of Etchmiadzin and the Qajar Government Based on the Armenian Texts of St. Mesrop (Matenadaran)

Mohammadreza Alam<sup>1</sup>

Arsen Avagian<sup>2</sup>

Abbas Eghbal Mehran<sup>3</sup>

## Abstract

After the Armenians migrated from Old Julfa and settled in various regions of Iran, they adapted to the new conditions in a land with different customs and religious beliefs. Through mutual solidarity, they adjusted to their new way of life. The presence and active roles of Armenians during the Qajar period in official governmental and military positions testify that Armenians considered themselves citizens of Iran who, while preserving their religious beliefs and freely practicing their rites, maintained deep cultural, social, and economic ties with Iranians. This study, with an analytical perspective, aims to critically examine the views and approaches of Etchmiadzin and the Qajar government based on the Armenian texts of St. Mesrop (Matenadaran). Accordingly, it seeks to answer the following questions:

1. On what approaches were the relations between Etchmiadzin and the Qajar government based?
2. What effects and consequences did the Armenians' obedience and compliance with decrees have on the relations between Etchmiadzin and the Qajar state?

---

1. Professor of History Department, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran: (Corresponding author) (alam@scu.ac.ir)

2. Professor of History Department, Yerevan State University, Armenia; (a.avagyan@mfa.am)

3. PhD student, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Abass.em1987@gmail.com).

The findings of the study indicate that the decrees issued by the Qajar government to Etchmiadzin reflect the importance of unity among Iran's Armenians and the necessity of solidarity among them, as well as their compliance with decrees issued by the Qajar state and the sustained coexistence between Christians and Muslims.

**Keywords:** Armenians, Qajar, Etchmiadzin, Fath-Ali Shah, Abbas Mirza, Matenadaran decrees.



## بررسی انتقادی دیدگاه‌ها و رویکردهای اچمیادزین و حکومت قاجار بر پایه متون ارمنی ماشتوس مقدس (ماتناداران)

محمد رضا علم<sup>۱</sup>، آرسن آواکیان<sup>۲</sup>، عباس اقبال مهران<sup>۳</sup>

### چکیده

ارامنه پس از کوچ از جلفای قدیم و سکونت در مناطق مختلف ایران، ضمن سازگاری با شرایط جدید در سرزمینی با آداب و رسوم و عقاید مذهبی متفاوت، با اتحاد میان یکدیگر، خود را با شرایط نوین زندگی وفق دادند. به طوری که حضور و نقش آفرینی ارامنه در دوره قاجار در سمت‌های رسمی دولتی و نظامی، گواه آن است که ارامنه خود را شهروندانی در ایران می‌دانستند که ضمن حفظ عقاید دینی و اجرای آزادانه مناسک خود، پیوندهای عمیق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میان آنان و ایرانیان برقرار بود. این پژوهش درصدد است با نگاهی تحلیلی، به بررسی انتقادی دیدگاه‌ها و رویکردهای اچمیادزین و حکومت قاجار بر پایه متون ارمنی ماشتوس مقدس بپردازد. لذا در پی پاسخ‌گویی به این سؤال‌هاست:

۱. روابط اچمیادزین و حکومت قاجار بر اساس چه رویکردهایی بوده است؟
۲. تبعیت ارامنه و تمکین آن‌ها از فرامین، چه تأثیر و پیامدهایی در روابط میان اچمیادزین و دولت قاجار داشت؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فرامین صادرشده توسط

---

۱. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران: (نویسنده مسئول) (alam@scu.ac.ir)

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه دولتی ایروان، ارمنستان؛ (a.avagyan@mfa.am)

۳. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (Abass.em1987@gmail.com).

حکومت قاجار به اچمیادزین، حاکی از اهمیت اتحاد میان ارامنه ایران با یکدیگر و لزوم همبستگی میان آنان و همچنین تبعیتشان از فرامین صادره توسط دولت قاجار و هم‌زیستی پایدار میان مسیحیان و مسلمانان بوده است.

کلیدواژه‌ها: ارامنه، قاجار، اچمیادزین، فتح‌علی‌شاه، عباس‌میرزا، فرامین ماتناداران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

فتحعلی‌شاه و عباس میرزا، به گواه اسناد فارسی ماشتوس مقدس (ماتناداران)، در جهت رفع موانع و ارتقای سطح زندگی، کمک، همراهی و حمایت از ارامنه، به صدور فرامین متعددی پرداخته‌اند؛ از جمله:

- حکم عباس میرزا به سیمون، خلیفه کلیسای تادئوس مقدس (قره کلیسا)، درباره حمایت از بازسازی و کمک هزینه ۱۰۰ تومانی برای مرمت صومعه؛
- حکم عباس میرزا مبنی بر برابری حقوق وراثت ارامنه با حقوق مسلمانان؛
- فرمان فتحعلی‌شاه در سال ۱۷۹۸ میلادی به محمدخان قاجار، بیگلربیگ ایروان، برای توقف اخذ مالیات دولتی از روستاهای اوشاکان و وقارشاپات؛
- فرمان فتحعلی‌شاه به خوکاز، خلیفه اوچ کلیسای ایروان، که در آن به دریافت پیشکش و لطف خیرخواهانه وی اشاره می‌کند؛
- فرمان فتحعلی‌شاه به حسین‌خان سردار مبنی بر معافیت آقا کاراپت از پرداخت مالیات؛
- حکم عباس میرزا از جانب خان ایروان به مقامات دولتی آذربایجان برای عدم آزار و اذیت و سهولت رفت و آمد خلیفه اپرم در منطقه؛
- حکم فتحعلی‌شاه برای ارسال خلعت و سایر هدایا به داوود، به مناسبت انتخاب وی به عنوان خلیفه اوچ کلیساها؛
- حکم بهرام میرزا به کدخدایان و ریش سفیدان روستای کلفرج برای ممنوعیت ممانعت و آسیب‌رساندن به کشاورزی ارامنه دره شام و...

این اسناد حاکی از آن است که برای دولت قاجار، وجود و حضور ارامنه نه تنها مهم بود، بلکه با صدور فرامینی در جهت رفع مشکلات، منازعات و اختلاف‌های آنان و همچنین ارتقای سطح زندگی و احترام به آن‌ها، نهایت تلاش را می‌کردند.

این پژوهش درصدد است با تحلیل فرامین فارسی اسناد گنجینه ماشتوس مقدس (ماتناداران)، به بررسی رفع موانع و ارتقای سطح زندگی ارامنه در دولت قاجار بپردازد و علل آن را مشخص نماید که چرا رفع مشکلات موجود میان ارامنه ساکن در قلمرو ایران و حل و فصل آن‌ها برای دولت قاجار مهم بوده است. به طوری که ارامنه ساکن در قلمرو حکومت اسلامی قاجار، دارای دین مسیحی و آداب و رسوم متفاوتی بودند. این پژوهش، با دسترسی به تعدادی از اسناد فارسی فرامین فتحعلی‌شاه و عباس میرزا موجود در گنجینه ماشتوس مقدس (ماتناداران)، به واکاوی متون فرامین پرداخته تا انگیزه‌های پنهان دولت قاجار در صدور فرامین برای رفع و حل و فصل مشکلات میان ارامنه و ارتقای سطح زندگی آنان را در این دوره تاریخی مشخص نماید.

### پیشینه

تاکنون پژوهش‌های مستقل و جامعی در خصوص بررسی انتقادی دیدگاه‌ها و رویکردهای اچمیادزین و حکومت قاجار بر پایه متون ارمنی ماشتوس مقدس، به صورت تحلیلی صورت نپذیرفته است و فقط یک کتاب مستقل با عنوان فرامین فارسی ماتناداران که توسط گوستیکیان (۲۰۲۱م) به صورت بازخوانی آن فرامین بوده، نوشته شده است. در زمینه تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارمنستان در قرون میانی، اسناد فارسی بایگانی مخزن کتب خطی «ماتناداران» ایروان، اطلاعات بسیار ارزشمندی را ارائه می‌دهند. نخستین تلاش‌ها در جهت بررسی علمی این اسناد، توسط جاثلیق سیمئون یروانتسی (۱۷۶۳-۱۷۸۰م) صورت گرفته و نتایج آن‌ها در یکی از تألیفات او به نام جامبر آورده شده است. برای بررسی یادشده، فقط مجموعه اسناد موجود در کلیسای اچمیادزین و چند مرکز دینی همجوار در دسترس مؤلف بوده است؛ حال آنکه از آن تاریخ تاکنون، با گردآوری تدریجی اسناد و مدارک بسیار از دیگر نقاط، مجموعه اسناد مذکور از نظر حجم و تعداد افزایش چشم‌گیری یافته است و مهم‌ترین آن‌ها، با برگردان ارمنی و روسی، همراه با متن اصلی اسناد، به همت هاکوپ پاپازیان (۱۹۶۸م) در دو جلد، با مقدمه و شرح و حواشی مفصل در ایروان چاپ و منتشر شده است.

پژوهش‌هایی با استفاده از اسناد فرامین فارسی ماتناداران انجام گرفته است، از جمله: فاطمه اورجی (۱۴۰۰ش) «مناسبات عباس میرزا با کلیسای اچمیادزین با تکیه بر اسناد آرشیوی»، که بر اساس تعدادی از اسناد ماتناداران، مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش تلاش شده است تا ارتباط شاهزاده عباس میرزا با ارمنیان و به‌ویژه اچمیادزین بررسی شود تا تلاش ایران برای حفظ این تعاملات و همچنین حفظ حاکمیت تاریخی خود بر آن سرزمین روشن شود.

علم، آواکیان و اقبال (۱۴۰۱ش) در پژوهشی با عنوان «نقش اوج کلیسا در مناسبات ارامنه و شاهان قاجار با تأکید بر فرامین فارسی ماتناداران»، به بررسی نقش اچمیادزین به عنوان یک نهاد مذهبی در طول دوره قاجار، در تنظیم رابطه ارامنه و دولت ایران بر اساس فرامین ماتناداران پرداخته‌اند. به‌طوری‌که قوام و دوام ملت ارمنی مدیون اچمیادزین بوده و شاهان قاجار نیز از طریق همین نهاد مذهبی با ارامنه ساکن در ایران ارتباط برقرار می‌کردند.

در پژوهشی دیگر، فرشید نوروزی، هوشنگ خسرویگی و نظام علی دهنوی (۱۴۰۱ش) با عنوان «تقسیمات سرزمینی در پیوند با حکمرانی خاندانی در ایران اوایل دوره قاجاریه (۱۲۶۴ق / ۱۲۱۰ش)»، به بررسی تلاش قاجارها برای حفظ و اداره قلمرو ممالک محروسه ایران، در کنار استفاده از قدرت شمشیر، با بهره‌گیری از تدابیر و سیاست‌های دیگر پرداخته‌اند.

علیزاده مقدم و هاشمی‌پور (۱۳۹۴ش) با عنوان «وضعیت فرهنگی ارامنه بوشهر در دوره قاجار بر اساس اسناد این دوره»، به بررسی وضعیت فرهنگی ارامنه بوشهر از نظر رشد فرهنگی آن منطقه و همچنین تأییدی که در روند نهادهای آموزشی و امور مطبوعاتی آن دوران داشته‌اند، اشاره کرده‌اند. همچنین عزیزنژاد (۱۳۹۸ش) در پژوهشی با عنوان «روابط خانان ایروان با گرجی و نقش قدرت‌های پیرامونی در دوره حکمرانی حسین علی‌خان قاجار ایروانی»، به نقش سوق‌الجیشی خانان ایروان و موقعیت ممتاز آن‌ها در منطقه قفقاز جنوبی پرداخته است.

این پژوهش درصدد است با نگاهی تحلیلی، به بررسی انتقادی دیدگاه‌ها و رویکردهای اچمیادزین و حکومت قاجار بر پایه متون ارمنی ماشتوس مقدس بپردازد. لذا در پی

پاسخ‌گویی به این سؤال‌هاست:

۱. روابط اچمیادزین و حکومت قاجار بر اساس چه رویکردهایی بوده است؟
۲. تبعیت ارامنه و تمکین آن‌ها از فرامین، چه تأثیر و پیامدهایی در روابط میان اچمیادزین و دولت قاجار داشت؟

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که:

۱. فرامین صادرشده توسط حکومت قاجار به اچمیادزین، حاکی از اهمیت اتحاد میان ارامنه ایران با یکدیگر و لزوم همبستگی میان آنان بوده است.
۲. تبعیت اچمیادزین از فرامین صادره توسط دولت قاجار، نشان از هم‌زیستی پایدار میان مسیحیان و مسلمانان، بدون نزاع و درگیری‌های مذهبی بوده است.

### دلیل مستشرقین برای نام‌گذاری اچمیادزین

دلیل آن‌که ترک‌ها به اچمیادزین عنوان اوچ‌کلیسا را نهادند، وجود سه دیر در نزدیکی هم است، به‌طوری‌که به فاصله ۱۳۰۰ متری شرق دیر دو کلیسا است که با کلیسای دیر از دور منظره‌ای بسیار زیبا را متصور می‌نماید. اچمیادزین واگارشاپات در دره رود ارس، در غرب ایروان در بخش مرکزی جمهوری سوسیالیستی شوروی ارمنستان واقع شده است. این شهر در قرن ششم قبل از میلاد وجود داشته و از سال ۱۸۴ تا ۳۴۴ میلادی پایتخت ارمنستان بوده است. کلیسای معروف ارمنی در این منطقه توسط گرگوری قدیس در سال ۳۰۲ پس از میلاد تأسیس شد و دارای کتابخانه‌ای ارزشمند از ادبیات ارمنی است. نمای داخلی کلیسا با چهره‌های برجسته ایرانی تزیین شده است. در عین حال، روغن مقدس مورد استفاده در کلیساهای ارمنی، هر هفت سال یک بار تهیه می‌شود. در ۱۳۰۰ متری شرق دره، دو کلیسا وجود دارد که چشم‌اندازهای جالبی از کلیساهای دره در دوردست دارند. نام ترکی «سه کلیسا» که ترک‌ها به صومعه اچمیادزین داده‌اند از این جا آمده است.



در سال ۱۲۱۹ میلادی، بین عباس میرزا ولیعهد و سیسیانوف جنگی در گرفت که به جنگ اچمیادزین معروف است. در جایی آن را «اکس میازین» می‌گویند که به معنای «تن و ستبر» است. در فاصله دو فرسنگی ایروان، صومعه‌هایی با سه کلیسا وجود دارند که مقدس‌ترین کلیساهای ارامنه مسیحی به شمار می‌روند. ارمنی‌ها آن را «اکس میازین» می‌گویند؛ به معنای «نوادگان تنها متولد شده». مردم آن جا معتقدند که این نام را به این کلیسا داده‌اند، زیرا به وضوح دیده می‌شود که عیسی مسیح به دلیل گرگوار، که اولین اسقف بزرگ این صومعه بود، از بهشت نازل شد. اما مسلمانان به آن «دیه اوچ کلیسا» می‌گویند که به معنای سه کلیسا است.

همان‌طور که گفته شد، کلیسای اصلی بسیار محکم و استوار است. این بنا از تخته‌های سنگی عظیم ساخته شده است که هر یک از ستون‌های مربعی آن هفتاد و دو فوت ارتفاع دارد و همه از سنگ‌های بسیار بزرگ ساخته شده است. فضای داخلی ساختمان فاقد نقاشی و مجسمه بوده و تاریک است (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۴۰۷).

در برخی منابع، «اچمیادزین» به دلیل آن‌که مقر کشیش بزرگ ارامنه بوده، عنوان «ایچ میازین» اطلاق می‌گردیده است: «از مشاهده کلیسا، دل‌های ما در دولت اسلامی آرام شد. این کلیسا قبلاً مقر کشیش ارمنی بوده و مانند چوپان، از گوسفندان خود در برابر حمله گرگ محافظت می‌کند. ایچ میازین نام دارد و از ۱۵۰۰ سال پیش ساخته شده است. در این دوره، در برابر حوادث و انقلاب‌ها مقاومت کرده‌اند. کاهنان با زهد و عبادت پریشان، هیچ پیشرفتی نکرده‌اند، حتی از دعای خود ناراحت نشده‌اند» (کوتزبویه، ۱۳۴۸: ۶۲).

در منابع دیگر، نام آن «اوچ میازین» است، یعنی شناخته‌شده، و گفته می‌شود که در این کلیسا ثروت زیادی از همه نوع جمع شده است. به این جهت، دائماً گروه‌هایی از بدکاره‌های نیمه‌وحشی را به سوی خود جلب می‌نمود. بیشتر کاروان‌های خارج از شهر، قبلاً و حتی اکنون، قلعه‌های کوچکی بوده و هستند که توسط برج کنگره احاطه شده و سکوهایی برای محافظت از آن‌ها ساخته شده‌اند.

«آن‌ها بر روی دیوارها سکوهایی می‌سازند و سوراخ‌هایی در آن‌ها ایجاد می‌کنند تا مدافعان بتوانند از آن‌جا به محاصره‌کنندگان شلیک کنند. مسافران اغلب مجبور می‌شدند به سمت کاروان سرا سنگ پرتاب کنند، به‌ویژه در زمان جنگ داخلی که راهزنان سراسر ایران را آلوده کرده بودند و به همه حمله می‌کردند. امروزه این حملات همچنان توسط کردها در مرزها، به‌ویژه مرزهای ارمنستان، انجام می‌شود. در این‌جا، راهزنان کرد اغلب روستاییان را غافلگیر می‌کنند و حتی زیارتگاه معروف اوچ‌میاژین نیز مورد حمله قرار گرفته است. این صومعه دارای کلیسایی است که قدمت آن به بیش از ۱۵۶۰ سال می‌رسد.»

در این کلیسا ثروت زیادی از انواع و اقسام انباشته شده است. به همین دلیل، همیشه گروه‌هایی از اشرار نیمه‌وحشی را به خود جذب می‌کند، اما هر بار، دزدان با شجاعت توسط اعضای کلیسا دفع می‌شوند. در چنین مواقعی، از بالای تمام دیوارها، که تاج‌هایشان مانند قلعه‌هایی با کنگره است، به سوی مهاجمان شلیک می‌کنند و مرتب تماشا می‌کنند تا غافلگیر نشوند (دروویل، ۱۳۷۰: ۷۶).

این کلیسای قدیمی که در قرن چهارم پس از میلاد ساخته شده، با حصارها و برج‌هایش از بیرون شبیه قلعه نیست و به‌ویژه برای مقاومت در برابر حملات مهاجمان ساخته شده است. دزدهای مسلمان، حریص گنج را در آن‌جا متوقف کرده‌اند (فوریه، ۱۳۸۵: ۴۳).

سالتیکوف روسی، مشاهدات خود از کلیسا را این‌گونه توصیف می‌کند: «وضعیت آن ساختمان بسیار عجیب به نظر می‌رسید. دیوارهایش همگی کنده‌کاری شده و خطوط عجیبی بود. کشیش این‌جا که یک پیرمرد سنتی بود، مقداری پنیر بز، پنیر گاومیش، شراب و غذاهای دیگر برای ما آماده کرد. ناهار می‌خوریم و از آن‌جا برمی‌گردیم به منزل نمودیم» (از سفرنامه سالتیکوف، نسخه خطی کتابخانه ملی، به شماره ۱۷۳۲).

## وضعیت ارامنه در دوره قاجار

فتحعلی‌شاه به ارمنیان با دید خوش می‌نگریست (درونیان، ۱۳۷۹: ۳۰۴). در زمان فتحعلی‌شاه، دو دوره جنگ طولانی بین ایران و روسیه درمی‌گیرد و طی این جنگ‌ها، دولت انگلستان با دسیسه‌افکنی و آشوب در ایران، در رسیدن به مقاصد خود بهره می‌جوید و با معطل نگه داشتن ایران و کمک به روسیه، قراردادهای ننگینی را بر ایران تحمیل می‌کند. هدف اصلی روسیه، دسترسی به دریای آزاد بود؛ علت دیگر، دست‌اندازی به خاک قفقاز بود که ساکنان آن خواستار خودمختاری بودند، اما قفقاز جنوبی و مرکزی جزئی از خاک ایران و هوادار قاجار بودند. جنگ‌های ایران و روس در زمان پادشاهی فتحعلی‌شاه با بسته شدن دو پیمان گلستان و ترکمانچای پایان یافت (مفتون دنبلی، ۱۳۸۹: ۵۸۲-۵۸۳).

در فصل سوم عهدنامه گلستان، پادشاه ایران برای ابراز دوستی و وفاق نسبت به امپراتور روسیه، تمامی ولایات قریباغ و گنجه و خانات موشکی و شیروان و قبه و دربند و باکو و هر جا از ولایات تالش را که بالفعل در تصرف دولت روسیه است، و تمامی داغستان و گرجستان را تا دریای خزر، مخصوص و متعلق به دولت امپراتوری روسیه می‌داند (شمیم، ۱۳۸۷: ۸۵).

در فصل سوم و چهارم عهدنامه ترکمانچای نیز امتیازاتی به دولت روسیه داده شد و حوزه نفوذ ایران در منطقه قفقاز برای همیشه از دست رفت. شاه ایران از طرف خود و جانشینان خود، خانات ایروان را که در دو طرف رود ارس واقع است و نیز خانات نخجوان و ایروان را به دولت روس واگذار کرد. او برای اثبات دوستی خالصانه نسبت به امپراتور روسیه، به موجب همین فصل، از طرف وارث و اخلاف خود، واضحاً و علناً تصدیق می‌نماید که ممالک و جزایری که ما بین خط تحدید فصل اخیر و نیز جبال قفقاز و دریای خزر است، و همچنین اهالی بدوی و غیره، متعلق به دولت روسیه است (همان، ۹۵-۹۶).

در این جنگ‌ها، سربازان ارمنی در هر دو قشون ایران و روسیه می‌جنگیدند؛ اما «تعداد سربازان ارمنی که در قشون ایران انجام وظیفه می‌کردند، به طور محسوسی از تعداد آنان در قشون روسیه بیشتر بود» (درونیان، ۱۳۷۹: ۱۰۳). گرچه در منابع مختلفی از حضور و حمایت ارامنه از سپاه روس در جنگ‌های میان ایران و روس اشاراتی شده است.

«پس از آن‌که محال گروس و خنزیرک و غیره، که از معظمت‌های ولایت قراباغ است، به دست آمد و عموم اهالی آن ولایت از مسلمانان و ارمنی تابع دولت ابد آیت پادشاه حق پرست شد، نواب نایب السلطنه با کمال اطمینان در تسخیر قلعه شوشی پای جلادت افشرد و از هر طرف سنگرها و سیبه‌ها پیش برد. مستحفظین آن قلعه محکم بنیان، بنا را به خدعه و تزویر گذاشتند و از پیغامات نرم‌نرم، مجاهدین اسلام را از شدت در محاصره غافل داشتند. نواب نایب السلطنه العلیه، حضرت ولیعهد ثانی محمد میرزا و محمدقلی خان قاجار را با دستجات خواجه‌وند و عبدالملکی، و نظرعلی خان مرندی را با فوج مرندی مجدداً به جهت حراست شهر و قلعه گنجه روان فرمود و تأکیدات اکیده در باب قلعه‌داری و عدم مجادله با روسیه بی‌ایمان به ایشان نمود، ولی از کار قضا غافل بود. خود به محاصره قلعه شوشی اقدام ورزید و جناب آصف‌الدوله نیز در این باب با او هم‌داستان گردید که اول باید قلعه شوشی را به دست آوریم و پس از آن، همت به تسخیر ولایت تفلیس صرف بریم.

از آن طرف، ینارال مددوف نام، که از جمله ینارالان بااعتبار روسیه بدف‌رجام بود، جمعیتی کامل از پیاده و سوار قزاق و ارامنه و صالادات روسیه جمع نمود و مساوی بیست عراده توپ البرزکوب برداشت و روی زشت به استرداد شهر و قلعه گنجه گذاشت. امیرخان سردار قاجار را هوای جان فشانی بر سر افتاد و قلعه گنجه را به نظرعلی خان مرندی سپرده، روز یکشنبه چهارم شهر صفرالمظفر، در رکاب نواب امیرزاده اعظم محمد میرزا به جانب شمکور روی نهاد. در خرابه‌های شمکور، فی‌مابین جنود منصور و مددوف مغرور، مقابله واقع شد و امیرخان سردار را از ضرب گلوله آتشین تفنگ، شربت شهادت نافع افتاد» (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج: ۱، ۶۲۴).

دیاسپورای ارمنی که در ایران دوره قاجار سکونت داشتند، تحت مدیریت کلیسای اچمیادزین و با سرسپردگی به دولت قاجار، نقش‌آفرینی فعالی در مخاصمات فی‌مابین دولتین ایران و روسیه داشتند. ارامنه ایران، از سویی بخشی از جمعیت دیاسپورای ارمنی پراکنده در جهان به شمار می‌روند و میهنی نمادین به نام ارمنستان دارند، و از سوی دیگر، تقریباً در هیچ دوره‌ای از تاریخ، سرنوشتی جدا از سایر ایرانیان نداشته‌اند و ایران، میهن واقعی‌شان به شمار آمده است.

آنان به مثابه یکی از اقوام ایرانی، در بسیاری از تحولات کشورمان، به ویژه از اواخر قرن نوزدهم به بعد، نقش برجسته‌ای داشته‌اند، و بستر لازم برای نقش‌آفرینی این مردم و بهره‌گیری از توانمندی‌های آنان، در جهت حل مشکلات ایران در دوره فتحعلی‌شاه قاجار و عباس میرزا در مواجهه با تهدیدات روسیه فراهم بود. حضور دیاسپورای ارمنی در ایران دوره قاجار، فرصت‌هایی برای فتحعلی‌شاه و عباس میرزا در برابر تهدیدهای پیش رو بود که حضور بخشی از جمعیت دیاسپورای ارمنی در ایران، با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های این گروه با قابلیت‌های مختلف، فرصت‌هایی را در خدمت فتحعلی‌شاه و عباس میرزا به ارمنان می‌آورد که اهمیت حضور و همکاری با آن‌ها را می‌رساند.

با توجه به مسیحی بودن ارامنه و اهتمام فتحعلی‌شاه قاجار و عباس میرزا نسبت به تسامح و تساهل دینی که داشتند، به رونق اوچ‌کلیسا به عنوان مرکز مدیریت مذهبی ارامنه و همچنین رونق امور کلیساهای تابعه، همواره با صدور فرامین توجیهات خاصه خود را بر الزام به حمایت از ارامنه ساکن در ممالک محروسه ایران ابراز می‌داشتند و با دادن هدایا، معافیت‌های مالیاتی، آزادی‌های مذهبی، استفاده از ارامنه در پست‌های دولتی، نشان از عمق سیاست‌های فتحعلی‌شاه و عباس میرزا مبتنی بر حمایت تام از ارامنه ساکن در دولت علیه ایران بود. این حمایت، جنبه‌های مختلفی داشت که در دو موضوع کلی قابل مشاهده بود: حمایت‌های مادی و حمایت‌های معنوی؛ که این حمایت‌ها باعث ارتقاء سطح کیفی و نوع زندگی ارامنه در ایران گردید.

### فرامین فتحعلی‌شاه قاجار در مورد ارامنه

دوره تاریخی زمان فتحعلی‌شاه یکی از دوره‌های پرفراز و نشیب تاریخ ایران است، به طوری که نحوه مناسباتش با دولت‌های خارجی و همچنین نوع دیدگاهش نسبت به ارامنه، مورد توجه می‌باشد. اسماعیل راین در کتاب خود، وضع ارمنیان را در زمان فتحعلی‌شاه خوب توصیف می‌کند (راین، ۱۳۵۷: ۳۹). فتحعلی‌شاه به ارمنیان با نظر خوش می‌نگریست (درهونیان، ۱۳۷۹: ۳۰۴).

جنگ‌های ایران و روس در زمان پادشاهی فتحعلی‌شاه با بسته شدن دو پیمان گلستان و ترکمانچای پایان یافت. مطابق این دو پیمان: «مناطق داغستان، گرجستان، آبخازیا، خانات باکو، قره‌باغ، گنجه، شیروان، قبا، دربند و طالش، و سراسر بخش‌های شرقی ارمنستان به روسیه داده شد» (دانشنامه بزرگ ارمنی، ص ۱۱۴).

در این جنگ‌ها، سربازان ارمنی در هر دو سپاه ایران و روسیه می‌جنگیدند، اما «تعداد سربازان ارمنی که در ارتش ایران خدمت می‌کردند، به‌طور محسوسی از تعداد آنان در ارتش روس بیشتر بود» (دروهمانیان، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

فتحعلی‌شاه با صدور فرامینی، حمایت خود را علنی کرده و به مرحله اجرا درمی‌آورد. جمله‌ی فرامینی که فتحعلی‌شاه در مورد ارامنه صادر نموده است، بدین شرح‌اند:

۱. فرمان فتحعلی‌شاه به خوکاز، خلیفه اوچ کلیسای ایروان، که در آن به دریافت پیشکش و لطف خیرخواهانه‌ی وی اشاره می‌شود.

۲. فرمان فتحعلی‌شاه (۱۷۹۸ میلادی) به محمدخان قاجار، بیگلربیگی ایروان، برای توقف اخذ مالیات دولتی از روستاهای اوشاکان و وقارشاپات.

۳. فرمان فتحعلی‌شاه به حسین خان سردار، مبنی بر معافیت آقا کاراپت از پرداخت مالیات.

۴. حکم فتحعلی‌شاه برای ارسال خلعت و سایر هدایا به داوود، به مناسبت انتخاب وی به‌عنوان خلیفه اوچ کلیساها.

با توجه به عناوین فرامین صادرشده توسط فتحعلی‌شاه می‌توان چنین استنباط نمود که شاه قاجار در جهت ارتقای سطح کیفی زندگی ارامنه و حمایت‌های مادی و معنوی از آن‌ها، ضمن داشتن اهداف بلندمدت در مواجهه با دولت روسیه و نقش‌آفرینی در منطقه قفقاز، می‌خواسته نظر مساعد ارامنه را جلب نموده و از روند نفوذ روسیه در منطقه جلوگیری نماید.

در فرمانی که فتحعلی‌شاه قاجار خطاب به محمدخان قاجار، بیگلربیگی ایروان صادر نموده، بر مراقبت و حفظ امنیت و حمایت از خلیفه و پیروان او تأکید شده است. چراکه انتصاب خلیفه از جانب شاه قاجار بوده و هرگونه بی‌احترامی و هتک حرمت خلیفه ارامنه،

که مورد حمایت و تحت لوای بیرق دولت علیه ایران می‌باشد، بی‌حرمتی به شاه قاجار تلقی می‌گردد. از این‌رو، چتر حمایتی خود را بر خلفای ارامنه گسترانیده بود:

«از قرار فرمان خاقان خلدآشیان رضوان‌مکان، مقاطعه و مالیات قریین اوچ کلیسا و اوشاکن به مبلغ پانصد تومان تبریزی نقد برقرار بود. لهذا بنابر احیای مراسم خاقان علین‌مکان و مراعات جانب اهالی قریین مذکورترین، مقرر فرموده‌ایم که همه‌ساله همان مبلغ پانصد تومان را از اهالی وجودیان قریین مذکورترین بازیافت و رهنه مطالبه ننمایند و در هر باب، مراقبت احوال آن‌ها را منظور داشته و قدغن نماید که احدی برخلاف حساب و از روی تعدی و ستم، متعرض و مزاحم آن‌ها نشود که در نهایت فراغ‌بال و کمال خاطر جمعی به امر کاسبی خود اشتغال نمایند. می‌باید حسب‌المقرر معمول و مرتب داشته از حکم همایون تجاوز و تخلف نوزد و توجهات شاهانه را شامل حال و کافل آمال خود دانسته، مطالب و مستدعیات خود را از روی امیدواری و استظهار عرض و در عهده شناسند.» (گوستیکیان، ۲۰۲۱، ج ۵: ۳۴۷)

در فرمانی، شاه قاجار خطاب به خلیفه داوود، اهمیت حضور خلیفه را در محل اوچ کلیسا بیان داشته و تأکید نموده که باید در هر حال، امور اوچ کلیسا بدون وقفه انجام شود، زیرا اگر امور ارامنه مختل می‌شد، نقصان این موضوع دامنگیر دولت علیه می‌گردید. شاه قاجار با عنایت به اینکه تعداد قابل‌توجهی از ارامنه در ممالک محروسه ایران اقامت دارند و آشفتگی احوال آن‌ها مستقیماً در روابط مسلمانان و ارامنه و همچنین در تعامل با دولت روسیه تأثیرگذار است، تأمل خاصی نسبت به این موضوع داشته است:

«بداند که چون عرض و استدعا کرده بود که آن‌علی‌جاه را مرخص و مأذون بفرماییم که به جهت تدارک و اسباب که به جهت خدمه و سیاه‌کلاهان اوچاق اوچ کلیسا ضرور شده، روانه بایزید شود، حسب‌الاستدعای آن‌علی‌جاه، نواب همایون ما آن‌علی‌جاه را مرخص فرمودیم که روانه بایزید و بعد از فراهم نمودن تدارک و اسباب، مراجعت نماید. لهذا به آن‌علی‌جاه امر و مقرر می‌شود که هر وقت خواهد، روانه محل مذکور شود و تدارک و اسبابی که ضرور دارد سرانجام نماید و معاودت به محل سکنی خود نماید.» (همان، ص ۳۵۹)

فتحعلی‌شاه در فرمانی خطاب به محمدپاشا، حاکم بایزید، ابراز داشته است که توجه خاصی نسبت به خلیفه ارامنه داشته باشد، چراکه خلیفه منصوب شاه بوده و تحت حمایت و توجهات ملوکانه می‌باشد. هرگونه بی‌حرمتی و عدم توجه، درواقع نقض فرمان شاه در خصوص حمایت‌های خود از خلیفه بود. شاه قاجار برای تأمین امنیت جانی خلیفه در سفرهایش جهت سرکشی به املاک و جمع‌آوری وجوهات و نذورات، با ارسال نامه‌هایی به والیان و حاکمان مناطق، براین حمایت تأکید می‌نمود:

«بداند که چون خلیفه داوود، خلیفه اوچاق اوچ کلیسا، استدعا نمود که او را مرخص بفرمایم که به جهت تدارک و اسباب جهت اوچاق و خدمه آن جا روانه محال تحت اختیار آن عالی‌جاه شود و نواب همایون او را مرخص نموده‌ایم که هر اوقاتی که خواهد، روانه شود. بنابر آن، عالی‌جاه مشاورالیه وارد نزد آن عالی‌جاه خواهد شد و آن عالی‌جاه امر و مقرر می‌شود که بعد از حصول آگاهی و اطلاع بر مضمون فرمان جهان‌مطاع پادشاهی و ورود عالی‌جاه مشاورالیه، لازمی محبت و احترام نسبت به مشاورالیه به عمل آورده، نوعی با عالی‌جاه مشاورالیه سلوک و رفتار نماید که کمال رضامندی از حسن سلوک آن عالی‌جاه حاصل گردد.» (همان، ص ۳۶۴)

در فرمانی، فتحعلی‌شاه خطاب به خلیفه اپرم، حمایت کامل خود را از معابد ارامنه تحت حکومت ممالک محروسه ایران بیان داشته تا خلیفه، ابناء، پیروان کلیسا و مسیحیان ساکن ایران بدانند که در زیر بیرق شاهانه از هرگونه گزند در امان هستند. تأکید شاه قاجار بر این اصل استوار بود که چون ارامنه در دین عیسوی هستند و مردم ایران مسلمان، باید امنیت ارامنه تأمین گردد تا آن‌ها به جهت کیش عیسوی، تمایلی به دولت روسیه نداشته باشند:

«بداند که خلیفه سیمون و رهبانان اوچاق قراکلیسا، نظر به مرحمت کاملی که ما را نسبت به آن عالی‌جاه می‌باشد، همواره آن عالی‌جاه و سایر رهبانان و مهراسایان اتباع او منظور نظر عنایت و عاطفت ما بوده و خواهد بود و همت ما همواره مقصور به آبادی اوچاق اوچ کلیسا و سایر معابد و کنایس متعلقه به آن عالی‌جاه بوده و خواهد بود.» (گوستیکیان، ۲۰۲۱، ج ۵: ۴۵۵)



در فرمانی، فتح‌علی شاه قاجار خطاب به پیرقلی خان قاجار، سردار ولایات آذربایجان، تعیین خلیفه را حق مسلم شاه ایران دانسته و آن را گوشزد نموده است. دولت قاجار در مواجهه با دولت عثمانی یادآور می‌شد که حق تعیین خلیفه اوچ کلیسا فقط با نظر مساعد شاه قاجار می‌باشد و تنظیم امور اوچ کلیسا نیز با مدیریت خلیفه منصوب شاه قاجار انجام می‌گیرد. هرگونه تخطی از این دستور و احیاناً هرگونه حرکتی در جهت نقض این حکم ملوکانه، دخالت در امر حکومت دولت علیه ایران تلقی می‌شد. به همین منظور، در حکم خود تأکید موکد بر این اصل داشت که خلیفه اوچ کلیسا فقط از جانب شاه قاجار منصوب می‌گردد و این حق مخصوص دولت قاجار است و دولت عثمانی هیچ‌گونه حقی در این موضوع ندارد:

«پیرقلی خان قاجار، سردار ولایات آذربایجان، به عنایات کامله پادشاهی عز اختصاص یافته، بدانند که سال قبل، نواب همایون ما، نظر به کمال شفقت و مرحمت، داوود مهراسیا را به خلافت معبد اوچ کلیسا سرافراز و به صدور رقم قضا شیم، مشاورالیه را از اقران ممتاز فرمودیم. در این اوقات، به عرض عاکفان آستان راستان نواز رسیده که جانب امنای دولت علیه عثمانیه، خلیفه‌ای دیگر برای معبد مذکور تعیین شده و آمده در بایزید نشسته و طریق تردد قوافل و زاهدین اوچ کلیسا را بسته، امر خلیفه داوود را مختل می‌دارد. لهذا حکم جهان مطاع به عهده‌ی آن عالی جاه صادر می‌شود که لازمه‌ی اهتمام در استقلال نظم امور خلیفه داوود مذکور به عمل آورد، به هیچ‌وجه کوتاهی جایز ندارد و نوشته‌ای به حاکم محل مذکور که خلیفه‌ی دیگر در آن جانب مرقوم و آن‌ها را با این طریق معجاب سازد که اوچ کلیسا متعلق به ایران و عزل و نصب خلیفه‌ی آن، موقوف بر عالم‌آرای پادشاهی است و دخلی به مملکت روم ندارد.» (همان، ص ۳۵۶-۳۵۷)

در فرمانی دیگر خطاب به حسین خان، بیگلربیگی ایروان، فرمان معافیت مالیاتی و اجازه خرید ملک توسط ارامنه تحت امر او صادر شده است که نشان از اهمیت رعایت حال ارامنه و لزوم حمایت از آن‌ها برای جلب نظرشان در درگیری‌های آتی دارد. از سوی دیگر، فرمان‌هایی صادر شد تا همه اراضی قراکلیسا وقف کلیسا شود و اسقف این کلیسا از پرداخت همه عوارض دیوانی، از جمله جزیه و دیوان بیگی، معاف گردد (Kostikyan, 2009).

لزوم تکریم ارامنه و همچنین تعهد آن‌ها از طریق اصل معافیت مالیاتی، مضاف بر فتح قلوب آنان، نظر بر این موضوع مهم داشت که در هر صورت درگیری و اختلافات دولت قاجار و دولت روسیه، چونان دمل چرکینی است که آماده‌ی باز شدن است و در مناسبات فی‌مابین با ارامنه‌ی تحت حکومت در ممالک محروسه‌ی ایران باید با دید بازتری نگریسته شود. اصل معافیت مالیاتی نیز بر این روند تکیه داشت که هر قدر از ارامنه حمایت شود، در مناقشات آتی، کفه‌ی ترازو به سمت دولت قاجار سنگین‌تر خواهد بود.

«لِهذا محض مرحمت کامل و عنایت شامل درباره‌ی آقا کرابیک ارطون ولد مرکر ولد مناساکان مشهور به شاه عزیزی کمسرزاده که از نجبا و توادان‌اند و آبا و اجداد او همیشه در خدمت‌گذاری پادشاهان سلف اسلام بوده‌اند و دایماً به مراحم و اشفاق سلاطین سرافراز شده‌اند و تسلط در محل شوره‌کل داشته‌اند، امر و مقرر فرمودیم که املاک و باغات و طوابع و زراعت و ملازم و رنجبر او، چند خانواری که باشد، موافق معمول قدیم، از جمیع متوجهات دیوانی معاف و مسلم بوده، احدی از املاک و باغات و ملازم و رنجبران او به هیچ اسم و رسم، حبه و دیناری مطالبه ننماید و همچنین اگر من بعد عالیشان مشاورالیه استطاعتی به‌امر رساند و ملکی بخرد، کسی او را ممانعت نکرده، اعانت او و اولاد او را منظور دارند.» (گوستیکیان، ۲۰۲۱: ج ۵، ص ۴۲۲).

در فرمانی، فتح‌علی‌شاه خطاب به خلیفه دود، ضمن ارسال هدایایی و برشمردن اهمیت و جایگاه خلیفه در راهبری ارامنه و نقش او در هماهنگی میان دولت علیه و ارامنه‌ی ساکن در ایران، توصیه‌ی اکید به نظم در امور ارامنه و اطمینان خاطر نسبت به حمایت شاه از او را برمی‌شمرد. شاه قاجار به اهمیت نقش‌آفرینی خلیفه‌ی ارامنه در رابطه‌ی میان ملت ارامنه و ملت مسلمان و لزوم هم‌زیستی پایدار این دو مردم با دو کیش متفاوت، در سایه‌ی رهبری مقتدر خلیفه‌ی ارامنه و با هماهنگی لازم و تبعیت از فرامین شاه قاجار، معتقد بود. شاه قاجار با ارسال هدایا، ضمن برشمردن جایگاه خلیفه و با اهمیت خواندن نقش او در رهبری ارامنه، در واقع اتحاد و همبستگی میان دو ملت را لازمه‌ی حمایت‌های خود می‌دانست:

«ان شاء الله تعالی الملک الله، حکم همایون شد آن که عالیجاه خلیفه داود، خلیفه‌ی معبد اوچ کلیسیا، به الطاف کامله‌ی شهریاری امیدوار بوده بداند که چون در این اوقات، بر حسب استدعای رهبانین و قسیسین معبد اوچ کلیسیا، خلیفه‌الخلفای آن جا را به انعالیجاه محول و مرجوع فرمودیم، لهذا به جهت مزید اعتبار و افتخار آن عالیجاه، موازی یک دست خلعت آفتاب طلعت بدین موجب:

{قبای اطلس زری: ۹۰۰۰ دینار، شال: دوتاچه - ۳۳ دینار، طاقه: /// دینار، بالا پوش بادله دو حاشیه ضربی، اش بخز سمور: ۹۰۰۰ دینار }

از قیجاجی خانه‌ی مبارکه‌ی پادشاهی، به مصحوب عالیجاه رفیع جایگاه اخلاص آگاه محمد کریم خان قاجار /// به جهت انعالیجاه ارسال داشتیم. می باید فرمان قضا نشان مطاع را زیب تارک افتخار و خلعت مهر شعاع را پیرایه بر دوش اعتبار خود ساخته و از روی نهایت امیدواری و استظهار، به نظم و نسق و آبادی و رونق معبد مزبور و انضباط مهمات قسیسین و رهبانین و سیاه کلاهان و خدمه، به آیین قدیم پرداخته، همگی را از حسن سلوک و خوبی رفتار خود راضی و شاکر سازد و پیوسته الطاف خسروانه را شامل حال دانسته، مطالب خود را عرض نماید و در عهده شناسد». (گوستیکیان، ۲۰۲۱: ج ۵، صص ۳۵۱-۳۵۲).

در فرمانی، فتحعلی شاه از پیشکشی که مهراسیا برای او ارسال نموده بود، ضمن قدردانی، نشان دهنده‌ی مراتب همکاری و ارادت ارامنه نسبت به دولت علیه در برابر حمایت‌ها و امتیازاتی بود که به آن‌ها داده شده و ارامنه در جهت سپاس، به ارسال پیشکشی‌ها و نامه‌هایی به خدمت شاه مبادرت می ورزیدند. خلفای ارامنه با اعلام تبعیت کامل از شاه قاجار، تنظیم امورات اوچ کلیسا را در سایه‌ی رهبری خلیفه و با حمایت کامل شاه قاجار تأکید داشتند؛ چراکه با وجود مشکلات مادی و با تکیه بر حمایت معنوی در جهات مختلف، انتظار داشتند که شاه از خلیفه و ملت ارامنه پشتیبانی لازم را به عمل آورد. پیشکشی‌های ارسالی توسط خلیفه، نشان از ارادت و سرسپردگی کامل خلیفه و ابناء اوچ کلیسا بود:

«بداند که عریضه‌ی مخاصمت‌عنوانی که ارسال درگاه جهان‌پناه نموده بود، به ملاحظه‌ی نواب همایون ما رسیده و مضمونش معروض رأی آفتاب‌ضیاء گردید. از قرار تفصیل اشیائی که به رسم پیشکش، مصحوب خلیفه کرکین و ملک اصطپان به عتبه‌ی علیه‌ی سلطانیه فرستاده بود:

نقد: ۴۰۰ تومان

جنس: ساعت یک دستگاه، مخمل زری ۸ ذرع، اطلس ۲۴ ذرع، کمخا ۱۲ ذرع، قنایز ۲۲ ذرع، /// ۴، ابره‌ای دستکار ///، قلمکار دوز توپ، دستمال زری ۲ طاقه، دستمال چکن دوز ۴ طاقه، دوربین عدد، قوطی مینا عدد، قوطی عثمانی عدد، مطهره کلابتون عدد، چاقوی فرنگی ۸ عدد، دستمال هندی ۴ طاقه

مشهود نظر آفتاب‌اثر و مقبول طبع عنایت‌پرور گردید. خانه‌آبادان مراتب اخلاص‌کشی و دولت‌خواهی انعالی‌شان و اعتصام او به حبلمتین، ثناخوانی و دعاگویی این دولت‌معلی بارگاه، کما هو حق، بر پیشگاه ضمیر منیر پادشاهی مبرهن و بر مرآت نیت، معدلت‌سرلیت عکس‌افکن می‌باشد. و نواب همایون ما را نیز نهایت مرحمت و کمال قاطعیت درباره‌ی انعالی‌شان مخطور خاطر اقدس هست». (گوستیکیان، ۲۰۲۱: ج ۵، ص ۳۵۴)

«پیشکش آن عالیجاه بدین موجب: مخمل فرنگی ۹ ذرع، مخمل زری محرمات ۲ ذرع، ۷۱۴ دیبای زری ۲ ذرع، /// زری دو نوع ذرع ۷۱۵، بافته‌ی فرنگی ۲ ذرع ۷۱۴، اطلس مشجر ۷ ذرع ۷۱۴، پشت‌دار دو توپ، ماهوت کلی ۲ ذرع ۷۱۳، ساعت دستگاه، دوربین نظاره، ابره پستی کلابتون کوچک نخبه، دستمال چیت فرنگی طاقه، دستمال دست‌کاره /// طاقه، ساعت مجلس دستگاه، چاقوی بیخ نقره بانضمام قاب ///، قوطی انفیه عدد، بادزن عاج عدد، بیضه ۷۱۴

از حضور مرحمت‌اثر والا گذشته، چون از صدق نیت و مزید ارادت انفاذ شده بود، موقع قبول و درجه‌ی استحسان یافت و عرایض آن عالیجاه نیز در حضرت والا به عز قبول پیوسته، مرحمت و عنایت ما نسبت به آن عالیجاه کامل و به عموم خدام اوجاق اوچ کلیسا شامل

و همواره همت والای بآبادی اوجاق مزبور مصروف و به مراعات جانب آن عالیجاه و تمامی مه‌راسیایان مقصور می‌باشد.» (همان: صص ۴۵۲-۴۵۳)

### فرامین عباس میرزا در مورد ارامنه

عباس میرزا، فرزند و ولیعهد فتحعلی‌شاه قاجار بود که در جنگ‌های ایران و روس، او را به منطقه‌ی جلفا و سواحل رود ارس کشاند. تساهل و تسامح فوق‌العاده‌اش باعث خدمات او به مسیحیان در قالب صدور فرامین و وقف‌هایی به کلیساهای ارمنی شد.

جنگ‌های روسیه و عثمانی با ایران در دوران قاجار، بنا به دلایلی همچون به رسمیت نشناختن اقتدار حکومت قاجاریان بر کل کشور به عنوان دولتی متمرکز، شکل گرفت. این طرز تلقی را می‌توان از عدم تعیین سرحدات مشخص برای کشور، به عنوان یکی از مسائل اساسی دوره‌ی ولیعهدی عباس میرزا دانست. در ایران آن دوران، درکی از سرحدات مرزی نه آن‌چنان که امروزه هست، بلکه مطابق با دوران خودش. در مقایسه با دولت‌های قدرتمند همسایه همچون روس و عثمانی وجود نداشت.

بر این اساس، یکی از مناطق چالش‌آفرین برای ادعای حاکمیت میان سه کشور ایران، روسیه و عثمانی، منطقه‌ی قفقاز بود که در هر دوره برای تصرف بخش‌هایی از آن، جنگ‌های متعددی درگرفت. «کلیسای اچمیادزین به عنوان نخستین و مهم‌ترین کلیسای ارامنه، نقش مهمی در تحولات مذهبی، سیاسی و اجتماعی ارمنستان داشت. نقش کلیسای اچمیادزین به‌ویژه در جنگ‌های ایران و روس و جدایی ایروان از حاکمیت ایران، قابل ملاحظه است. عباس میرزا نایب‌السلطنه برای جلوگیری از نزدیکی ایروان، و به‌ویژه کلیسای اچمیادزین به روس‌ها، درصدد تحکیم مناسبات با آن برآمد تا شاید از طریق جلب و استمالت رهبران آن و برقراری پیوند نزدیک با آن‌ها، از تمایلات گریز از مرکز آنان جلوگیری کند.» (اروجی، ۱۳۹۹: ۱)

بررسی تحولات تاریخی و اسناد و مدارک، به‌خوبی گواه آن است که سیاست اصولی دولت صفوی و قاجار، حمایت جدی و مستمر از رعایای مسیحی، به‌ویژه ارامنه بوده است. عدم

اجبار در تغییر مذهب، حمایت از ساخت و نگهداری ده‌ها کلیسای ارمنی در مناطق مختلف ایران به‌ویژه در جلفای اصفهان، و حق تعیین خلیفه توسط پادشاهان ایران، آزادی برگزاری مراسم مذهبی، اختصاص داشتن کلانتر ارمنی برای محله‌ی جلفا و موارد دیگر، بخشی از این واقعیت تاریخی است. (Baghdiantz, 1993)

فرمان مهم دیگری از فتح‌علی شاه خطاب به اسقف اعظم اچمیادزین در دست است که در آن بر موارد زیر تأکید شده است: معافیت از مال‌وجهات، سورات، عوارض و بیگار؛ موظف کردن مسلمانان اجاره‌گیر به پرداخت مال‌الاجاره به ارامنه؛ دفن بی‌زحمت مردگان؛ به صدا درآوردن ناقوس و ورود به کلیسا بدون هیچ ممنوعیتی؛ قدغن کردن آزدن کشیش‌ها؛ ممنوعیت تغییر اجباری کیش ارامنه؛ معافیت عوارض راه برای ارامنه‌ای که از عثمانی برای زیارت می‌آیند؛ رایگان بودن استفاده از رودخانه‌های کارهی و اوشاکات. (Bournoutian, ۲۰۰۳)

رابطه عباس میرزا با ارامنه از لحاظ موضوعاتی قابل تأمل و بررسی است، و این رابطه در تاریخ روابط دو ملت تأثیراتی داشته و باعث تعمیق ارتباطات، همبستگی و همزیستی پایدار بین آن‌ها شده است. حضور ارامنه در سپاه عباس میرزا هنگام مواجهه با سپاه روس در جنگ‌ها، و اهتمام سربازان ارمنی، کلیسا و خلفای ارامنه در اتحاد با ایرانیان در مقابله با تهدیدات روسیه، و از جهاتی، حمایت‌های مادی و معنوی عباس میرزا و لیعهد از ملت ارامنه در ممالک محرومه ایران، نشان از اوج وابستگی طرفین به ظرفیت‌های یکدیگر در حل مشکلات دارد، و همچنین پیشینه دوستی از دوره‌های تاریخی و این ذهنیت که ایران به عنوان سرزمینی مهم در تاریخ برای ارامنه، مایه امنیت و آرامش آن‌ها بوده است و زندگی در کنار ایرانیان برای آن‌ها بهتر از قرار گرفتن در برابر آن‌ها بوده است.

فرامین صادرشده توسط عباس میرزا، نشان از اهمیت مردم ارمنی برای دولت قاجار دارد. احکام صادره توسط عباس میرزا در موضوعات مختلفی چون:

۱. حکم عباس میرزا به سیمون، خلیفه کلیسای تادئوس مقدس (قره کلیسا) در مورد حمایت از بازسازی و کمک‌هزینه ۱۰۰ تومانی برای مرمت صومعه؛

۲. حکم عباس میرزا به نایب خلیفه اوچ کلیسای مقدس اچمیادزین برای اعزام ابراهیم خان قاجار با سپاهی ۱۵۰۰۰ نفری به ایروان برای فتح گرجستان و تضمین امنیت ارامنه؛
  ۳. حکم عباس میرزا مبنی بر برابری حقوق وراثت ارامنه با مسلمانان، و حکمی از جانب خان ایروان به مقامات دولتی آذربایجان برای عدم آزار و اذیت و سهولت رفت و آمد خلیفه اپرم در منطقه؛
  ۴. حکم عباس میرزا به سرکیس، خلیفه کلیسای استپانوس مقدس برای ابراز نعمت‌های سلطنتی که بابت صداقت ایشان شامل وی می‌شود؛
  ۵. حکم عباس میرزا به خلیفه اپرم برای تأیید حقوق وی و کلیسای ارمنی؛
  ۶. حکم عباس میرزا به ملک آوانس مبنی بر تعیین وی به عنوان ملکی ایروان و نخجوان؛
- می‌باشد.

فتحعلی‌شاه در فرمانی خطاب به عباس میرزا، نسبت به فراهم نمودن اسباب آرامش و تأمین امنیت خلیفه داوود جهت عزیمت او به مناطق تبریز، خوی و سلماس، تأکیدات زیادی کرده، و عباس میرزا ولیعهد نیز، با توجه به اینکه ارامنه ساکن در ممالک محروسه ایران به عنوان افرادی که در قالب سرباز می‌توانند در جنگ آتی با روسیه در سپاه خدمت نمایند، حمایت از آن‌ها را مد نظر داشته است. با توجه به درگیری‌هایی که دولت علیه ایران با دولت روسیه داشت و با توجه به ظرفیت نیروی انسانی در جنگ و تبعیت ارامنه از خلیفه اوچ کلیسا، اهتمام شاه قاجار و عباس میرزا ولیعهد در فراهم نمودن اسباب آسایش و امنیت خلیفه، یک اصل مهم بود. همچنین، اخبارگیری از روند اقدامات خلیفه در طول حرکتش به جهت سرکشی و جمع‌آوری زکات اوچ کلیسا از سرزمین‌های تحت حاکمیت روسیه، در نظر عباس میرزا بود تا زمینه هرگونه دشمنی و سوءتفاهمات آتی یا جلب توجه خلیفه به سمت دولت روسیه را رصد کرده و در فرصت ممکن به آن پاسخ دهد: «ان شاء الله تعالی، الملک الله، حکم همایون شد آنکه دژ فاخته خلافت و شهریاری و غره ناصیه سلطنت و جهانبانی، نایب السلطنه القاهره عباس میرزا، به عواطف بی‌کران خسروانه مخصوص بوده

بداند که در این وقت، بر طبق عرض و استدعای عالیجاه، رفیع جایگاه، عزت و مناعت پناه، عمده‌الاکابر المسیحیه، خلیفه‌الخلفای خلیفه داوود، خلیفه‌ اوچ کلیسا که در سلک چاکران و سلکان مسالک خدمت‌گذاری و رعایت جانب او منظور نظر آفتاب‌اثر شهریاری است، مقرر و مرخص فرمودیم که به دارالسلطنه تبریز آمده، چندی در آن جا متوقف و زکوات و جوهری که بر ذمه ارامنه ساکنین محال خوی و تبریز و سایر آن حدود به صرف اوچاق اوچ کلیسا معمول و مقرر است، متصرف گردیده، تدارک اسباب و اشیائی که به جهت ارامنه واقفین اوچ کلیسا ضرور باشد دیده، مراجعت نماید. از آن جا که مشارالیه از عظمای نصاری و از زمره انصار چاکران و خدمت‌کاران شوکت عالم‌آراست، باید آن فرزند بعد از ورود او به تبریز مراقبت و مراعات احوال بوده، در اینجا مطالب و مسئولات اولوازم اعانت و رعایت را مبذول نموده باشد که در اوقات توقف تبریز، بی مزاحمت احدی، از نیل مقاصد خود کامیاب و بهره‌مند و در هنگام مراجعت نیز محصل المرام و خرسند گردد و هر وقت که خواهد، مراجعت نماید، رخصت انصراف به او داده، قدغن نماید که حافظین حدود و ثغور متعرض او نکنند و همه‌روژه مطالب و مهمات و وقایع حادثات آن صفحات، سدّ در طی عرایض مشهود و محکوم رای خورشید ضیا داشته، مسئولات و مأمولات خود را معروض و مقرون به اینجاچ داند و در عهده شناسد.» (گوستیکیان، ۲۰۲۱، ج ۵: ص ۳۶۹)

در فرمانی خطاب به سرکیس، خلیفه ارامنه، با توجه به جنگ میان ایران و روسیه و شکست روسیه از ایران، خواهان سرسپردگی خلیفه ارامنه نسبت به دولت علیه ایران می‌باشد، چراکه ارامنه تحت حاکمیت دولت علیه ایران، و خود خلیفه اوچ کلیسا و کلیساهای تابعه، ملزم به تبعیت تام از قوانین صادره از سوی دولت قاجار هستند. عباس میرزا، بعد از شکست روسیه از ایران، و با توجه به حضور ارامنه در سپاه ایران و حمایت‌های خلیفه اوچ کلیسا از دولت قاجار در جنگ، متصدد آن بود که ضمن رونق امور اوچ کلیسا، توجه ارامنه را نسبت به برتری ایران در جبهه جنگ، با تبعیت کامل آن‌ها در جنگ‌های بعدی، جلب نماید و همچنین به دولت روسیه نشان دهد که ارامنه ساکن در ممالک محروسه ایران در بیعت کامل با دولت



قاجار هستند: «بداند که عریضه ارادت فریضه آن مسیحی انتساب، ملحوظ نظر التفات کستر کارگزاران سرکار والا گردید، و عریضی که مشتمل بر احوالات و گزارشات آن سامان نمود بود، معلوم رای بیضا ضیا گردید. فی الحقیقه، آن زبده الاقران در جاده ارادت وزری ثابت قدم و اشفاق خاطر والا در باره او زیاده از دیگران می باشد. الله الحمد، در این حال، عالیشان محمدرضا سلطان چاپار از رکاب نصرت آیات حضرت سپهر رفعت نایب السلطنه علیه عالیه وارد، و مژده فتح روسیه منحوسه را رسانید که روسیه اضاله اراده آمدن به اوچ کلیسا نموده اند. از این طرف، حضرت نایب السلطنه با غازان جان فشان به مقابله رفته، از طرفین، آتش جنگ و جدال شعله ور، کشته. عنایت حضرت باری یاری کرده، روسیه ضاله مغلوب. کشته، شش عراده توپ و همه قورخانه و دواب و عراده روسیه به دست آمده. از نه هزار صالادات، قدر خیلی با هزار فلاکت، خود را به اوچ کلیسا انداخته اند و آن‌ها در مضیق محاصره هستند که امروز و فردا به فضل خدا همه آن‌ها دستگیر خواهند شد. آن زبده مسیحی، این مژده را بکوشد به نزدیک و دور رسانیده و خود هم در هر جهت به الطاف خاطر والا مستظهر بوده، و خود را کماکان دولت خواه این دولت خداداد دانسته، روزه روز مراتب دولت خواهی خود را ظاهر و آشکار سازد و احوالات و گزارشات آن سامان را روزه روز عرض نماید و مطالب خود را مقرون به إنجاح دانسته، در عهده شناسد.» (همان، ص ۵۳)

در فرمانی دیگر خطاب به عباس میرزا، نسبت به معافیت مالیاتی و دیوانی کلیسای قزل‌وانک قریه اماغو تأکید شده، تا جایی که مالیاتی که باید به دربار ارسال شود، تحت عنایت ملوکانه، مصروف مخارج وانک تأکید شده است. عباس میرزا با صدور این فرمان، در واقع می‌خواست که اسباب رونق اوچ کلیسا را فراهم نماید تا این کلیسا به عنوان یگانه کلیسای مهم، مورد عنایت و مورد تقدس در میان ارامنه مطرح باشد، تا در زمان لازم، خلیفه اوچ کلیسا با صدور فرامین لازم، زمینه‌های لازم برای اتحاد، همزیستی پایدار، و در صورت لزوم، هماهنگی برای جنگ‌های آتی را فراهم نماید. با توجه به این‌که در مواقعی درآمد اوچاق کاهش پیدا می‌کرد، با صدور فرامین ملوکانه، به معافیت‌های مالیاتی و دیوانی می‌پرداختند

تا ضمن احیای اقتصادی اوچ کلیسا، زمینه عدم ابراز ناخشنودی خلیفه، و در مواقعی، نبود انگیزه لازم برای حضور در اوچ کلیسا را از بین ببرند؛ چرا که لازمه اتحاد و وفاق و تسهیل در امور ارامنه، به قدرتمندی و انضباط اوچ کلیسا بستگی داشت: «همایون شد آن‌که چون نظر به فرامین و احکام سلاطین صفویه و فرمان رضوان‌مکان، خلد آشیان آقا محمدشاه مرحوم، که کلیسای قزل‌وانک قریه اماغو احدائی اجداد عالیشان، اخلاص و ارادت ارکان بیدروس بیک، ولد عالیشان ملک سام بیک غلام که از سلسله اوربلیان است، بوده که سال‌های بسال می‌باشد، منافع قریه مزبور را که در محال دره‌الاکز نخجوان است قبض و اخذ نموده، به مصارف وانک مسطور می‌رسانیده، لهذا مرحمت سرکار اقدس همایون شامل حال عالیشان مشارالیه گردیده و ما بعدها، موافق احکام سابق، اختیار کلیسای قزل‌وانک و قریه اماغورا کمافی‌السابق، به عالیشان عزت و ارادت ارکان، زبده‌المسیحی بیدروس بیک، ولد عالیشان ملک سام بیک مرحمت و عنایت فرمودیم؛ که در هذه السنه و ما بعدها، عالیشان مشارالیه را که اصلاً بعد از اصل از نُخْبا و ملک‌زاده‌های طایفه اوربلیان و از مالیات دیوانی معاف و مسلم بوده‌اند، با دو نفر برادر او، که عالیشان عیسی‌خان بیک و کشیش قراییک می‌باشد، از مالیات دیوانی معاف و مسلم داشته، کمافی‌السابق عمل کرده، مزارع قریه مزبور را اخذ و به مصارف وانک مزبوره صرف نموده و با صدق نیت تمام مشغول دعاکوی دولت ابداتصال قیام و اقدام نماید.

مقرر آن‌که فرزند ارجمند کامکار و نور چشم بلند اختر نامدار، نایب‌السلطنه علیه‌عالیه، عباس میرزا، صاحب‌اختیار مملکت آذربایجان، به مباشرین آذربایجان قدغن اکید نموده که از عالیشان مشارالیه به هیچ اسم و رسم، دیناری مطالبه ننموده، و مالیات قریه مسطوره را به عالیشان بیدروس بیک واگذار کرده که همه‌ساله صرف مخارج وانک مزبور نماید. المقرر عالی‌شان، مجدت و نجدت همراهان، جلالت و حشمت، سرکار مقرب‌الخاقان، مستوفیان عظام، شرح فرمان همایون را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند. تحریراً فی شهر رجب المرجب سنه ۱۲۲۹.

عرضه داشت: کمترین، بیدروس بییک، ولد ملک سام بییک، که از سلسله اوربلیان است، که الآن در سلک غلامان رکابی نواب مستطاب نایب السلطنه علیه، مشغول جان‌نثاری می‌باشد. کمترین بندگان، به ذروه عرض اعلیحضرت قدر قدرت، ایوان رفعت، سرکار اقدس، ظل‌اللهی، روحی‌العالمین فدا، که قربان خاک پای مبارکت شویم. کلیسای قزل‌وانک قریه اماغو که احدائی اجداد این دعاکویان است، از رضوان جایگاه سلاطین صفویه و از سلطان خلدآشیان آقا محمدشاه مرحوم، احکام و فرامین در دست این دعاکویان می‌باشد و دائم‌الایام در تصرف این بیچارگان بود. اکنون استدعای این چاکران حقیر، چنان‌که فرمان مُهرلمعان و قدرنشان از مصدر خلافت عظمت صادر گردد که موافق احکام قدیم، کلیسای قزل‌وانک و قریه مزبوره در تصرف این غلامان بوده، احدی دخل و تصرف ننماید، کما فی السابق مشغول نگهداری قزل‌وانک مزبور بوده، عمل کرد مزارع قریه مزبور را که همیشه صرف و تعمیر وانک مسطور می‌کردند، باز به همان قرار قدیم رفتار نموده، مشغول دعای دولت دوران عدت باشیم. حکم حکیم جهان‌پناه است.» (گوستیکیان، ۲۰۲۱، ج ۵: ص ۴۴۰-۴۴۱)

## نتیجه‌گیری

ارامنه، پس از کوچ از جلفای قدیم و سکونتشان در مناطق مختلف ایران، ضمن سازگاری با شرایط جدید، در سرزمینی با آداب و رسوم و عقاید مذهبی متفاوت، با اتحاد میان یکدیگر، خود را با شرایط جدید وفق دادند. به طوری که حضور و نقش‌آفرینی ارامنه در دوره قاجار، در سمت‌های رسمی دولتی و نظامی، گواه آن است که ارامنه خود را شهروندانی در ایران می‌دانستند که ضمن حفظ عقاید دینی و اجرای آزادانه مناسک خود، پیوندهای عمیق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بین آن‌ها و ایرانیان برقرار بود. ارامنه در طول تاریخ همواره روابط مستحکمی با مردم و دولت‌های تاریخی ایران داشتند. از آنجایی که در تجارت دارای هوش و استعداد خاصی بودند، در خدمت تجارت خارجی ایران، با هدف رونق و بسط آن، همواره از موهبت‌های شاهانه و اعتماد ملوکانه برخوردار بودند.

ارامنه، در میان مردم ایران، با خوشنامی و به دور از مجادلات فکری و مذهبی و جدلیات، در فضایی آرام، در طول تاریخ، زندگی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند، و در مناقشات مرزی پیش‌آمده با دولت روسیه تزاری نیز، به طرفداری از دولت وقت ایران، اقدامات عملی انجام می‌دادند. حکومت قاجار، به گواه اسناد فارسی ماشتوس مقدس (ماتناداران)، در جهت رفع موانع و ارتقای سطح کیفیت زندگی، کمک، همراهی و حمایت از ارامنه، به صدور فرامین متعددی پرداخته‌اند. بررسی تحولات تاریخی و اسناد و مدارک، به خوبی گواه آن است که سیاست اصولی دولت قاجار، حمایت جدی و مستمر از رعایای مسیحی خود، به‌ویژه ارامنه بوده است.

از جمله اسناد خطی قدیمی مؤسسه ماشتوس مقدس و نسخ خطی قدیمی، احکام و فرامین فارسی است که از طرف فتحعلی‌شاه قاجار و عباس میرزا، ولیعهد ایران، صادر شده است؛ که در بررسی و تحلیل این فرامین، می‌توان به تحولاتی که در زندگی و کیفیت زیست ارامنه ایجاد شده است، پی برد؛ چراکه در دوره‌های تاریخی قبل از قاجار، ظلم و ستمی که در حق ارامنه روا داشته می‌شد، از جمله در زمینه‌های محدودیت‌های مذهبی، تجارت، طرز لباس پوشیدن، سکونت در محله‌های جدا از مسلمانان، نداشتن حقوق شهروندی و... وجود داشت.

به‌طوری‌که در رفع موانع و ارتقای سطح کیفیت زندگی ارامنه در ایران دوره قاجار، بر اساس اسناد گنجینه ماشتوس مقدس (ماتناداران)، امتیازاتی که توسط فتحعلی‌شاه و عباس میرزا به ارامنه داده شد، از جمله:

- حق تعیین خلیفه ارامنه توسط پادشاه ایران،
- معافیت‌های مالیاتی و دیوانی اماکن مذهبی ارامنه،
- حفظ و تأمین امنیت خلیفه و ارامنه،
- ارسال هدایا از طرف شاه به خلیفه ارامنه و قبول پیشکشی‌های ارسالی از طرف خلیفه به شاه،
- برابری و تساوی حقوق ارامنه در برابر مسلمانان،

باعث گردید ضمن تغییر در نوع و سطح کیفیت زندگی ارامنه نسبت به دوره‌های تاریخی و سلسله‌های پادشاهی ایران، زمینه دلبستگی و همکاری‌های آتی نیز فراهم شود.

## منابع

۱. پاپازیان، هاکوپ (۱۹۵۶م)، فرامین فارسی ماتناداران، ج ۱، ۲ و ۳، ایروان: ارمنستان.
۲. خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی (۱۳۸۰ش)، تاریخ ذوالقرنین، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۳. درهوهانیان، هاروتون (۱۳۷۶ش)، تاریخ جلفای اصفهان، ترجمه لئون میناسیان و م.ع. موسوی فریدنی، اصفهان: زنده‌رود.
۴. رائین، اسماعیل (۱۳۷۵ش)، ایرانیان ارمنی، تهران: امیرکبیر.
۵. شاردن، ژان (۱۳۷۲ش)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۱، تهران: توس.
۶. شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۷ش)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات بهزاد.
۷. عزیزنژاد، محمد، «مواضع حسین‌علی‌خان قاجار ایروانی در اختلاف دولت عثمانی و کریم‌خان زند در مسئله بصره (۱۱۸۰-۱۱۹۱ق)»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۸۱، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۹-۵۹، DOI: 10.22034/JHFR.2019.893218.1735
۸. علم، محمدرضا؛ آواکیان، آرسن؛ اقبال‌مهران، عباس، «نقش اوچ‌کلیسا در مناسبات ارامنه و شاهان قاجار با تأکید بر فرامین فارسی ماتناداران»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، ۱۴۰۱ش، سال ۱، شماره ۴۶، صص ۸۹-۱۰۶.
۹. عزیززاده‌مقدم، بدرالسادات؛ هاشمی‌پو، ظهرا، «وضعیت فرهنگی ارامنه بوشهر در دوره قاجار (براساس اسناد این دوره)»، گنجینه اسناد، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، صص ۵۸-۶۰، DOI: 10.20160217145653.9560-130
۱۰. فوریه، ژوانس (۱۳۸۵ش)، سه سال در دربار ایران از ۱۳۰۶-۱۳۰۹ قمری، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر علم.
۱۱. کوتزبویه، موریس دو (۱۳۴۸ش)، مسافرت به ایران به معیت سفیر کبیر روسیه در سال ۱۸۱۷، ترجمه محمود هدایت، تهران: امیرکبیر.
۱۲. گوستیکیان، کریستینه (۲۰۲۱م)، فرامین فارسی ماتناداران (۱۸۲۹-۱۷۹۸)، ج ۵، ایروان: ارمنستان. (شماره‌های: ۲/۱، ۴/۱، ۶/۱، ۷/۱، ۹/۱، ۱۱/۱، ۳۸/۱، ۴۷/۱، ۵۳/۱، ۵۴/۱، ۹۳/۱)

۱۳. مفتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۹ش)، مآثرالسلطانیه، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه ایران.
۱۴. نوروزی، فرشید؛ خسروبیگی، هوشنگ؛ دهنوی، نظام‌علی، «تقسیمات سرزمینی در پیوند با نظام حکمرانی دیوانی دوره ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق/۱۸۴۷-۱۸۹۵م)»، تاریخ اسلام و ایران، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۵۶، صص ۱۷۳-۱۹۴.
۱۵. اروجی، فاطمه، «مناسبات عباس میرزا با کلیسای اچمیادزین با تکیه بر اسناد آرشیوی»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، شماره ۲۸، مهر ۱۴۰۰، صص ۱-۳۰، DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/jiiph.۲۰۲۱.۴۳۹۶۶.۲۱۵۹.
۱۶. دروهانیان، هاروتون (۱۳۷۹ش)، تاریخ جلفای اصفهان، ترجمه لئون میناسیان و م.ع. موسوی فریدنی، اصفهان: زنده‌رود.
۱۷. دروویل، گاسپار (۱۳۷۰ش)، سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران: شباهنک.

## منابع لاتین

1. Baghdiantz, I. (1993). The Armenian merchants of New Julfa: some aspects of their international trade in the late seventeenth century. Columbia University, p. 135.
2. Bournoutian, George. Armenians and Russia: A Documentary Record. Mazda Publisher, 2003.
3. Kostikyan, Kristine. "Documents in Persian on the St. Thaddeus Monastery of Maku." Armenian Journal of Near Eastern Studies (AJNES), 4(2), 2009, pp. 159-175.